



RISK DOCTOR BRIEFING

مبانی فرآیند ریسک

© 2010, Dr David Hillson PMP HonFAPM

david@risk-doctor.com



یک فرآیند مدیریت ریسک خوب چه چیزی را باید پوشش بدهد؟ هر کسی که یک معامله ریسکی و مهم را متعهد می شود باید هشت پرسش ساده را از خود بپرسد:

1. سعی می کنیم چه چیزی را به دست آوریم؟
2. چه چیزی ممکن است در به دست آوردن آن چیز بر ما تاثیر بگذارد؟
3. کدامیک از آن چیزها مهم ترین هستند؟
4. چه کاری درباره آنها باید انجام دهیم؟
5. آیا اقدامی انجام داده ایم؟
6. چه کسی باید بداند؟
7. با انجام اقدام چه چیزی تغییر کرده است؟
8. ما چه یاد گرفتیم؟

این پرسش ها مراحل مورد نیاز برای مدیریت ریسک را توضیح می دهند. با پاسخگویی به هر پرسش می توان آنها را به سادگی به سمت یک فرآیند ریسک پایه، بسط داد:

1. **شروع شدن (آغاز فرآیند).** ریسک ها تنها در ارتباط با اهداف تعریف شده وجود دارند، و اینها آن چیزهایی هستند که ما سعی می کنیم به دست آوریم. ما بدون اینکه نخست به وضوح محدوده ی پروژه را تعیین کنیم و مشخص کنیم چه اهدافی ریسکی هستند، نمی توانیم فرآیند ریسک را شروع نماییم. این نیز که چه مقدار ریسک توسط ذینفعان مورد پذیرش است مهم است، چرا که باعث تعیین آستانه هدف گذاری شده برای شدت ریسک می شود.
2. **پیدا کردن ریسک ها (شناسایی ریسک).** آنگاه که محدوده و اهداف توافق می شوند، شروع شناسایی ریسک ها که چیزهایی هستند که ممکن است بر ما تاثیر بگذارند و هم فرصت ها و هم تهدیدها را شامل می شوند، برای ما ممکن می شود. ما باید تکنیک های متنوعی را استفاده نماییم تا در حد امکان ریسک های زیادی را پیدا کنیم.
3. **تنظیم اولویت ها (ارزیابی ریسک).** همه ی ریسک ها به یک اندازه مهم نیستند، بنابراین ما باید آنها را برای یافتن بدترین خطر ها و بهترین فرصت ها، پالایش و اولویت بندی کنیم. برای اولویت بندی ریسک ها می توانیم مشخصه های متنوعی را نظیر اینکه چقدر ممکن است روی دهند، چه بر سر اهداف خواهند آورد، چگونه (به سادگی یا به سختی) می توانیم در آنها نفوذ کنیم و بر آنها تاثیر بگذاریم، چه موقع احتمالا روی خواهند داد، استفاده نماییم.
4. **تصمیم بر آنچه باید انجام داد (برنامه ریزی پاسخ به ریسک).** آنگاه که ریسک ها را اولویت بندی کردیم می توانیم درباره اینکه چه اقداماتی برای خطرات و فرصت ها مناسب اند فکر کنیم. هر ریسک نیاز به یک مالک دارد که باید تصمیم بگیرد چگونه به شکل مناسبی پاسخ دهد.
5. **انجام اقدام (اجرای پاسخ ریسک).** هیچ چیز تغییر نخواهد کرد مگر اینکه واقعا کاری انجام دهیم. باید پاسخ های برنامه ریزی شده به منظور کنترل ریسک های مجزا و تغییر شدت کلی ریسک اجرا شوند، و نتیجه ی این پاسخ ها به منظور اطمینان از اینکه آنها تاثیر مطلوب را دارند، پایش شود. همچنین ممکن است اقدامات ما ریسک های جدیدی جهت پیگیری ما ایجاد کنند.
6. **گفتن به دیگران (گزارش نمودن ریسک).** ذینفعان گوناگون به ریسک ها در سطوح مختلف علاقمندند و گفتن ریسک هایی که پیدا نموده ایم و برنامه ی پیگیری آنها مهم است.

7. بروز نگه داشتن (بازنگری ریسک). ما باید با یک مبنای منظم، برگردیم و دوباره به ریسک ها نگاه کنیم تا ببینیم آیا اقدامات برنامه ریزی شده ی ما به شکل قابل انتظار کار کرده اند و ریسک های جدید و تغییر یافته را که حالا باید مورد توجه قرار دهیم کشف کنیم.

8. درس گرفتن (آموخته های ریسک). در پایان کار باید منافع تجربه هایمان را در تجربه های مشابه آینده استفاده کنیم. این بدین معنی است که ما باید زمانی را برای فکر کردن به اینکه چه چیزی موثر بود و چه چیزهایی نیاز به بهبود دارند و ثبت نتایج به گونه ای که برای خودمان و دیگران قابل بازیابی باشد، صرف کنیم.

هر فرآیند خوب ریسک باید این مراحل را دنبال کند تا از اینکه ما ریسک هایمان را به شکل اثربخشی شناسایی، ارزیابی و مدیریت نموده ایم، اطمینان حاصل کند. اجرای اینها مشکل نیست اما بدون همه ی این مراحل یک فرآیند ریسک ناکامل است.